



تحلیل و بررسی روابط شخصیت های منظومه ی داستانی لیلی و مجنون نظامی با انطباق برالگوی گریماس

ملیحه عرب، دکتر محمد سلامتیان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان

چکیده

مسئله ی اساسی این مقاله تحلیل روابط و مناسبات شخصیت ها در منظومه ی داستانی لیلی و مجنون نظامی می باشد. در این تحلیل، از الگوی کنش گر گریماس استفاده شده است. بررسی ساختاری این داستان از طریق تقابل های دوگانه و پی رفت ها یا زنجیره های اجرایی، میثاقی و انفصالی، و شناخت بهتر شخصیت های داستان از طریق بررسی قابلیت انطباق پذیری این الگو بر این متن روایی منظوم، از محورهای اصلی پژوهش حاضر محسوب می شود. شش نقش اصلی یا به تعبیر گریماس، کنش گر، در این روایت بازیابی شده که عبارتند از: فرستنده، پذیرنده، فاعل، هدف، یاری گر و بازدارنده. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، در روایت لیلی و مجنون، فرستنده: عشق است که یک مفهوم انتزاعی می باشد نه یک شخصیت عینی؛ پذیرنده: لیلی و مجنون؛ فاعل: مجنون و سپس لیلی؛ هدف: رسیدن لیلی و مجنون به یکدیگر؛ یاری گر: خویشان و اطرافیان مجنون و نوفل و کنش گر بازدارنده: پدر لیلی و سپس ابن سلام است. از این پژوهش بر می آید که الگوی گریماس در تحلیل شخصیت های منظومه ی لیلی و مجنون تا حدی مفید و کارآمد است؛ بر اساس این الگو، خواننده با ذهنیتی روشن می تواند روابط و مناسبات شخصیت ها را دنبال کرده و برخی از ویژگی هایی را که گریماس برای حکایت های فولکلوری برشمرده، در این روایت می تواند ببیند؛ از جمله این که قهرمان هم فاعل و هم، پذیرنده است. در این داستان، "فاعل" به گونه ای است که هم بر لیلی انطباق می یابد و هم بر مجنون و هر دو به نوعی پذیرنده نیز هستند.

واژه های کلیدی: ۱- لیلی و مجنون، ۲- گریماس، ۳- الگوی کنش گر، ۴- شخصیت، ۵- رابطه